

کتابخانه تخصصی مصلح
مکتب مطبوعات مصلح

توسعه بحران

در

خلیج فارس

نهضت آزادی ایران

۱۳۶۶/۹/۴

قیمت ۸۰ ریال

"توسعه بحران در خلیج فارس"

مقدمه :

جنگ ایران و عراق در آستانه هشتصن سالگردش، از یک جنگ محدود و محلی بین دو کشور همسایه فراتر رفته است، می رود که به یک جنگ منطقه ای، و حتی به احتمال زیاد، به یک جنگ عمومی تر، گسترش یابد. در حالی که ناوگانهای جنگی اعضای پیمان نظامی ناتو و نیز شوروی حضور گسترده، و فعال تری در خلیج فارس پیدا کرده اند، هر روز درگیری سمای پراکنده در اینجا و آنجا صورت می گیرد. اگرچه ایران رسماً چیزی در این رابطه نگفته است، اما برای اولین بار موشکهای ایران مراکز و کشتی های نفتی کویت را در سواحل و بنادر آن کشور هدف قرار داد و متعاقباً نیروهای نظامی ایران و آمریکا در خلیج فارس به مبارزه آتش و مقابله به شکل پرداختند.

این لشکرکشی ها و حوادث، مجموعاً منطقه را به مخزن باروت بزرگی تبدیل کرده است که هر لحظه ممکن است منفجر شود. و خدا میداند که این انفجار چه عوارض و عواقب وحشتناکی برای ملت های مسلمان منطقه از جمله ایران، به بار خواهد آورد.

اگرچه ناوگانهای جنگی خارجی، از جمله شوروی و آمریکا از سالها پیش در خلیج فارس رفت و آمد می کرده اند و اخیراً با دعوت دولت کویت به بهانه حفظ امنیت کشتی های نفتکش در خلیج فارس عملاً به صحنه جنگ ایران و عراق کشانده شده اند، اما حضور گسترده ناوگانهای جنگی این دو ملت و نیروهای ناتو نمی تواند تنها برای هدف اعلام شده، یعنی حفظ امنیت نفتکش ها باشد. اغلب دولت های اروپائی عضو ناتو طرح اعزام نیروهای نظامی به خلیج فارس را بعد از پیشنهاد به مجلس ملی کشورشان و تصویب آن توسط قوه مقننه بسمه مرحله اجرا در آورده اند. این امر می تواند حاکی از آن باشد که حضور نیروهای نظامی ناتو در خلیج فارس و تأسیس و تثبیت مراکز فرماندهی ثابت و دائم منطقه، به خاطر هدفهای دراز مدت دیگری است و حکایت از مسائل و حوادث بیشتری در آینده نه چندان دور می نماید. موقعیت سونج الجیشی (استراتژیک) ایران و نقش آن در مناسبات جهانی و تعادل میان قدرت ها، و نیز اهمیت نفت خاورمیانه برای اروپای غربی و ژاپن (۴۰ درصد نیاز نفتی اروپای غربی و ۷۰ درصد نیاز ژاپن از این منطقه تأمین می شود) قدرتهای بزرگ و کوچک نیمکره شمالی را خواه و ناخواه به این نقطه از جهان کشانده به تدریج تمامی مناسبات جهانی را تحت الشعاع خود قرار داده و سرنویشت استقلال و تمامیت ارضی کشورمان را به این بحران فزاینده پیوند زده است، به طوری که هیچ ایرانی علاقمند به آینده کشور نمی تواند و نباید

نسبت به این رویدادها بی نظارت باشد .

دینت آزادی ایران در اعلامیه مورخ ۶۶/۷/۲۹ مراتب اعتراض خود را نسبت به حضور نیروهای نظامی بیگانه در خلیج فارس و انزجار خود را از حمله ناچوان مردانه آمریکا به مکهها^ک نفتی ایران اعلام داشت و نگرانی شدید خود را از آتش افروزی در خلیج فارس ابراز نموده است .
و اما پیچیدگی فعل و انفعالات چند ماهه اخیر جنگ در خلیج فارس و پیامدهای هولناک احتمالی آن برای ایران و مسلمانان منطقه به گونه ای است که تحلیل و تطمیل و سیمترو دقتی را ایجاب می کند .

بیانات و اقدامات ضد و نقیصه پراکنده ، مطالبات تصعیم گیرنده ، در ایران نشان می دهد که مسئولین جمهوری اسلامی یا به حق خطر واقف نیستند یا با آگاهی از پیامدهای آنچه در حرف تکوین است ، به منظور بهره برداری سیاسی و حفظ قدرت خود ، در جهت تشدید آن حرکت می کنند و یا آن که با وجود رجز خوانیها و مباحثات بسیار ، که این روزها ابعاد وسیعی یافته است ، و استقبالی که به ظاهرا از این حوادث می کنند و آنرا محسوس مبارکی برای ایران قلنداد می نمایند ، در پشت پرده تماسها و مذاکرات جدی در جریان است و این جنجالها بیشتر برای سرگرمی نیروهای مردمی و سرپوش گذاشتن بر فعالیتهای پست پرده میباشد .

مردم هم که صاحبان اصلی این مژد و بوم ، آفرینندگان انقلاب و پرداخت کنندگان بدهای ادامه جنگ هستند عموماً به دلیل وجود جو اختناق و انحصار حاکم بر جامعه ، از توانمندی و ماجراجای واقعی بی خبر مانده و نگران و متحیر از خود و از یکدیگر می پرسند : چه خواهند شد ؟ چه خبر است ؟ به کجا میرویم ؟ و عموماً برای رفع نگرانی خود و کسب آگاهی از اوضاع و احوال ناگنبر به رادیوهای بیگانه متوسل می شوند .

به راستی ایران و جمهوری اسلامی را به کجامی برند ؟ گسترش جنگ در خلیج فارس به نفع چه کسانی است ؟ و چه قدرتیائی می کوشند که آتش جنگ در خلیج فارس زبانه بکشد و تا نابودی کامل تمامی امکانات ایران و عراق ، و حتی سایر کشورهای منطقه ادامه یابد ؟
ما در این تحلیل تلاش می کنیم که به برخی از این سئوالات پاسخ دهیم ، گرچه پیچیدگی و سیال بودن قضاای سیاسی و کمبودها فقدان منابع خبری مشتق و وجود جو سانسور و اختناق - این مهم را بسیار دشوار می سازد .
وضعیت ظرفیای درگیر :

در این بررسی ابتدا به سیاست کلی ایران در مورد جنگ اجمالاً اشاره کرده ، سپس به بررسی سیاستها و مواضع کلی هر یک از قدرتهای خارجی درگیرها ذینفع در این جنگ

می‌پردازیم و سپس يك جمع‌بندی کلی و بیانی ارائه خواهد شد .

۱- ایران : امر چه پس از پیروزی انقلاب ، برخیز از تصعم‌گیرندگان و گروه‌های فشار در دیون انقلاب به طور جدی بر این باور بوده اند که باید با " صدور انقلاب " تمامی منطقه را به " آتش " کشید و امپریالیسم آمریکا ، ارتجاع منطقه را نابود ساخت تا انقلاب اسلامی را " حفظ " کرد ، بعد از آغاز جنگ و تجاوز ارتش عراق به کشورمان خط مشی و سیاست می‌توانست منطقی و مفید به حال مردم ایران باشد که علاوه بر مقابله نظامی با تجاوز، اولاً مانع گسترش جنگ به کشورهای دیگر منطقه شود ، ثانیاً نظر موافق کشورهای عرب و غیر عرب دور و نزدیک را به حمایت از ایران جلب نماید و یا حداقل آنها را دور از این جنگ و بیطرف نگاه دارد ، ولی متأسفانه بیانات و اعمال نمدجیده مسئولین جمهوری اسلامی سبب گردیده است که به تدریج سایر کشورهای عربی منطقه ، نه به خاطر علاقه خاصی به حفظ رژیم بعث عراق بلکه به عنوان واکنش در برابر ایران به سود عراق موضع‌گیری نمایند .

روند فوق در مدت يك سال گذشته تشدید شده است . در اجلاس کنفرانس اسلامی در کویت ، حتی نزدیکترین دولت عربی به ایران ، یعنی سوریه ، نیز آشکارا موضع غیر دوستانه علیه ایران داشت . در قحطنامه بیانی کنفرانس اخیر سران عرب در اردن نیز ، که به امضای نمایندگان سوریه و الجزایر هم رسید ، آشکارا علیه ایران موضع‌گیری شده است .

مجموعه اوضاع کنونی نشان میدهد که ایران بیش از پیش امکانات سیاسی دیپلماسی خود را برای هرگونه مانوری جهت پایان دادن به جنگ از دست داده است ، بدون آن که امکانات نظامی جدیدی ، که بتواند تعادل قوا را به نفع آن تغییر دهد کسب کرده باشد .

۲- عراق : تحولات اخیر جنگ ، درگیری ایران با کویت و برخورد مستقیم ایران و آمریکا کلاً به نفع رژیم عراق می‌باشد و طبیعی است که عراق از این تحول ، استقبال و آن را تشدید نماید .

از همان ماه‌های اول جنگ و رهپوشدن ارتش عراق با مقاومت شدید مردمی در خوزستان و احساس ناکامی از تحقق هدفهای اولیه حمله به ایران ، از زمانی که بر عراق مسلم شد که به تمهاتی قادر به ادامه جنگ با ایران نیست ، تلاش رژیم عراق در این جهت بوده — است که پای کشورهای دیگر عربی و غیر عربی ، به ویژه عربستان و کویت و شیخ نشینان خلیج فارس را به حمایت از خود و مشارکت و درگیری در جنگ بگشاند .

تحول در جنگ ایران و عراق و تبدیل آن به جنگ بین ایران و اعراب ، رژیم بعثی عراق و صدام حسین را از بن بست‌هایی که به دلیل آغاز کردن جنگ با آنها رهپور گردیده است نجات می‌دهد و جبهه‌های جدیدی که علیه ایران باز بشود سبب تخفیف فشارهای

ایران بر عراق می‌گردد از دیدگاه رژیم عراق دولت آمریکا به مراتب بیشتر از عراق می‌تواند به ایران ضربه بزند . درگیری ایران با آمریکا ، عربستان سعودی ، کویت و ۰۰۰ آن چنان ابعاد جدیدی به این جنگ می‌دهد که تدبیراً به سرعت شعار سقوط صدام و رژیم بعثی عراق جای خود را به مقابله با آمریکا و شعار " رنگان باید برود " خواهد داد . به نظر - عراقی این تحولات موجب خواهد شد که دیگر سرنوشت حزب بعث عراقی و شخص صدام عامل تمهین کننده ای در جنگ نباشد .

از این دید ، رژیم عراق از سیاست دولتمردان ایران در منطقه بهره برداری کرده و توانسته است که سایر کشورهای عرب منطقه را به نفع خود و علیه ایران وادار به جبهه گیری نماید . قبل از جنگ ، رژیم بعثی عراق چه در خاورمیانه و چه در دنیای عرب و اسلام و جهان رژیم منفور و منزوی بود . بعد از جنگ عراق به تدریج از انزوا خارج و ایران ، سر کس ، دچار انزوایی شده است که به مرحله کنونی رسیده است ،

کنفرانس سران عرب در اردن ، و قطعنامه پایانی آن ، که سوریه هم آن را امضا کرده است ، همانند کنفرانس اسلامی کویت نشان داد که حتی دولتهای بی‌ظاهر دوست ایران ، - نظیر سوریه ، لیبی و الجزایر نیز از مواضع ایران در این جنگ حمایت نمی‌کنند . کنفرانس سران عرب عنونه بر آن که ایران را مسئول فاجعه ، که شناخت و محکوم کرد به اطلاق آراء خواستار اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت گردید . این کنفرانس آشکارا به نفع جریان عربی خاص که خواستار ارتباط با اسرائیل است موضع گرفت . ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی دولتهای عربی از یک طرف و سوء سیاست حاکمیت ایران از طرف دیگر سبب شده است که اسرائیل و حامیان عربی کشورهای عربی حداکثر استفاده را به نفع سیاستهای رژیم قاصب اسرائیل ببرند ، تا آن جا که نخست وزیر رژیم صهیونیستی از تجدید روابط دیپلماتیک میان اعراب با مصر انزوا نشین کرده سخنگوی اسرائیل اعلام نمود که تناقضی میان صلح مصر و اسرائیل با روابط اعراب و مصر وجود ندارد !

رژیم عراق از این تحولات در دنیای عرب به نفع تثبیت موقعیت خود بهره برداری کرده - است .

از طرف دیگر عراق از اوجگیری جنگ در خلیج فارس و بسته شدن احتمالی تنگه هرمز نگرانی ندارد . در حال حاضر صدور نفت عراق به طور کامل از طریق لوله هامر نفت از راه - ترکیه و عربستان صورت می‌گیرد . در حالی که ایران تمامی نفت خود را از راه خلیج فارس - صادر می‌کند .

۲ - اسرائیل : روم صاحب اسرائیل یکی دیگر از قدرتمندترین مملکتها است که در جنگ ایران و عراق سهم و نقش و نفع دارد .

در یکی از نشریات بعضی آزادی ایران (مورخ ۱۱ بهمن ۱۳۶۵) نقش اسرائیل در این جنگ اجمالاً تشریح شده است . در اینجا می‌خواهیم تأکید کنیم که اسرائیل نفع همه جانبه خود را در این می‌بیند که جنگ تا نابودی کامل هر دو کشور ایران و عراق و حتی در صورت امکان سایر کشورهای عرب منطقه ، خصوصاً صادرکنندگان نفت ادامه یابد .

سیاست اسرائیل در رابطه با توسعه جنگ در خلیج فارس از دو زاویه قابل توجه و بررسی است : اول در رابطه با ایران و عراق که بحث آن در نشریه یاد شده در بالا آمده است و دوم ، ارتباط کنفرانس جهانی صلح - میان اعراب و اسرائیل در قاره فلسطین بسا اوجگیری تشنج و درگیری در خلیج فارس .

برای روشن شدن این ارتباط باید متذکر شویم که اشغال سرزمینهای عرب - اسلامی - توسط اسرائیل هائزه مسلحانه مردم فلسطین برای احقاق حقوق خود و درگیرین برای مساحنه فلسطینی ها با دولتهای مختلف عرب از یک سو و با اسرائیل از سوی دیگر ، کانون انفجاری پایدار را در منطقه ایجاد کرده است که یکی از پیامدهای آن تزلزل دائمی و بی ثباتی در مملکت های عرب است . شرکتهای نفتی چند ملیتی ، آمریکا و اروپا ، و صاحبان شرکتهای تولید کننده و فروشنده اسلحه (بیلتاریست های عرب) ، که بهره‌مندان عمده نفت خاور میانه هستند بر این باورند و چنین تبلیغ کرده و میکنند که تشکیل یک دولت کوچک فلسطینی ، در بخش از سرزمین های اشغالی در غرب رودخانه اردن به عنوان راه حل عملی دراز مدت سبب از بین رفتن این کانون انفجار در خاور میانه و در نتیجه پدید آمدن - شرایط مناسب برای تثبیت اوضاع سیاسی کشورهای عربی خواهد شد . اما اسرائیل به شدت با این طرح و راه حل مخالف بوده و معتقد است که با اعمال خشونت می‌تواند جنبش فلسطین را مبارک کند . بعد از هرگزشت جمال عبدالناصر و درین تحولات دهه اخیر در میان عرب ، امکان سازش و صلح میان کشورهای عربی و اسرائیل بیش از هر زمان دیگر به وجود آمده است ، فلسطینیان نیز تشکیل دولت کوچک را پذیرفته اند و شرایط مناسب برای تشکیل کنفرانس صلح پدیدار گردیده است . دولتهای بزرگ ، از جمله شوروی آمریکا ، نیز در مورد تشکیل کنفرانس صلح با حضور فلسطینیها به توافق رسیده اند . در چنین شرایطی ، اسرائیل برای شرکت در این کنفرانس زیر فشار بین المللی قرار گرفته است ولی فایده این شرکت در آن نیست . اسرائیل طیرم جنبانهای تبلیغاتی ، به هیچ وجه حاضر به قبول صلح با فلسطینیها و اعراب نیست . دولت فلسطینی کوچک در مسایلی خود نمی‌باشد . و آن را یک خود کشی در جبهه و مبارزه و صلح -

برای رژیم صهیونیستی می‌داند .

حوادث چند ساله اخیر نشان و کشتارهای متعدد و بیرحمانه فلسطینیها و اوچگیری اختلافات درونی سازمانهای فلسطینی هر یک به صورتی در ارتباط با این قضیه میباشد . اسرائیل و دشمنان فلسطینیها میدان بودند که جنبش فلسطینیها با این ضربات نابود و یا خاموش گردد . اما این حوادث سرد بزنه برداری طرفداران تشکیل دولت کوچک فلسطینی قرار گرفت و اهمیت و ضرورت تشب کنفرانس صلح را نشان داد . با افزایش احتمال تشکیل کنفرانس صلح ، دولت شوروی با کوشش فراوان دیپلماتیک خود موفق شد که گروهی از فلسطینیها را به هم نزدیک سازد ، تا آنکه در نشست اخیر فلسطینیها در الجزایر تمام گروهها با هم توافق کرده و به " ساف " پیوستند . شورویها همچنین روابط تیره بین حافظ اسد و سایر عرفات را بهبودی بخشیدند . تمام این تلاشها برای آن بوده است که اعراب و فلسطینیها با انسجام بیشتری در کنفرانس صلح شرکت نمایند .

با توجه به این رویداد ، برای اسرائیل که حاضر به برگشت در کنفرانس صلح نیست تنها چاره ، جلوگیری از تشکیل کنفرانس است . و بهترین راه برای حصول مقصود نیز ایجاد یا گسترش یلواهای منطقه ای میباشد . جنگ خلیج فارس فرصت و بهانه مناسبی برای اسرائیل در این راستا پدید آورده است .

امید و باور اسرائیل بر این است که انفجار در خلیج فارس ، فکارتعمومی جهان را به سوی خلیج فارس و به نفع اسرائیل منحرف و متوجه خواهد ساخت و تقاضاهای میان غرب و شرق در مورد کنفرانس صلح ، احتمالاً از بین خواهد رفت . جنگ و درگیری ایران با آمریکا (اگر واقعاً باشد) ، عربستان سعودی و کوئیت ، یک ماده آسانی برای رژیم اسرائیل خواهد بود .

هر قدر منطقه مغشوشتر و مشغولتر باشد ، میهنیستهای خوشحالترو ابیحران افکار عمومی از مساله فلسطین بیشتر خواهد بود .

۴- آمریکا : سیاست دولت آمریکا در مساله جنگ ایران و عراق را شاید بتوان چنین ترسیم کرد که آمریکا نمی‌خواهد بین جنگ برنده یا بازنده ای داشته باشد . چرا که از یک سو نگران پیامدهای ناخواسته گسترش جنگ و اثرات منفی آن بر شیات کشورهای ارتجاعی منطقه میباشد و از سوی دیگر از این بیم دارد که ادامه و گسترش جنگ ، خصوصاً تحول آن از جنگ میان ایران و عراق به جنگ میان ایران و آمریکا ، سبب شود که ایران اجباراً به جانب شوروی روی آورد در زهر فشارهای ناشی از جنگ امتیازات استراتژیک به دولت شوروی بدهد . آمریکاییها از قضیه کوبا خاطرات و تجربه تلخی به یاد دارند و نمی‌خواهند آن تجربه را در

مطالبات ملل

ایران (با نیکارایان) نتواند از سوی دیگر، آمریکا می‌کوشد که از جنگ به عنوان ابزاری برای تثبیت و گسترش قدرت خود در منطقه و در جهت رام کردن ایران استفاده کند بنا بر این از دیدگاه آمریکا، جنگ باید زمانی به پایان برسد که شرایط دلخواه آمریکا در ایران به وجود آمده باشد.

حاصل چنین سیاستی کوشش به در جهت، پایان دادن یا گسترش جنگ بلکه ایجاد حالت "نه جنگ و نه صلح" می‌باشد.

ظاهراً آمریکا قیاماً بر این باورند که جنگ ایران و عراق باین سیستم نظامی روبروست. ایران تاکنون نتوانسته است که با عطیات نظامی به اهداف خود برسد و لذا نمی‌تواند هیچ راه - حلی را که حداقل متضمن حذف صدام نباشد بپذیرد - ادامه این وضعیت - بعد از - آقای خمینی سبب خواهد شد که هیچ یک از جانشینان ایشان نیز نتوانند راه حلی را که همراه با حذف صدام نباشد قبول کنند. با توجه به نقش محصوره فرد آقای خمینی درجه و رتبه اسلامی و وابستگی شدید مسئله جنگ به شخص ایشان، و نیز با توجه به رقابتها و جنگ قدرت در میان جانشینان بالفعل و بالقوه آقای خمینی احتمال گسترش هرج و مرج در ایران و بروز اختلالات محلی در مناطقی نظیر کردستان و بلوچستان زیاد خواهد بود. وضعیت بلوچستان به مراتب حساس تر از کردستان است بلوچستان به دنیای آزاد و اقیانوس هند راه دارد. قدرت دولت مرکزی (پاکستان) در این ایالت ضعیف است. دولت شوروی از دو طرف ایران (در غرب، از طریق عراق و در شرق از طریق افغانستان) نفوذ خود را به سمت خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش داده است. در صورت بروز اختلالات محلی و نابسامانی اوضاع در بلوچستان، دولت شوروی می‌تواند - ولو به طور غیر مستقیم با یک حرکت نه چندان مشکل از مرزهای جنوبی افغانستان و از طریق بلوچستان به آبهای گرم اقیانوس هند دست یابد.

به عارت دیگر به نظر کشورهای غیر، مخصوصاً آمریکا روسها امروز بیش از هر زمان دیگر

به این هدف دوازده استراتژیک خود نزدیک شده اند.

تصور چنین وضعیتی در آینده نه چندان دور - برای آمریکا و غرب نه تنها نامطلوب بلکه وحشت آور و غیر قابل تحمل است.

برای

به نظر میرسد که آمریکا قیاماً و غیره پیش‌گیری از وقوع چنین حادثه‌ای دورا عمل را انتخاب کرده اند: اول کوشش برای تقلیل احتمال درگیریهای داخلی در ایران دوم آرایش و تدابیر برای مقابله با خطرات آینده.

نظامی

در شرایط کنونی راهی برای پایان دادن جنگ وجود ندارد ، اما می توان راه حلی را مطرح کرد و قبول داد که اگر هیچ متخلفی ختم فوری جنگ نیست اما می تواند مقدمه ای برای صلح صافه در دراز مدت باشد . تنه اصلی در چنین راه حلی آن است که قبول آن در شرایط حاضر توسط ایران تأیید رهبر انقلاب را در بر خواهد داشت و به جانشینان ایشان امکان خواهد داد که بعداً بر اساس آن ، کوشش خود را برای ختم جنگ ادامه دهند ، بدون آن که با مخالفت های جدی و گسترده ای در داخل کشور مواجه شوند . برخی از جناح های — قدرتمند حاکمیت فعلی ایران به دلیل درگیری روز مره با مسائل ملکنس این واقعه گرائی را — پیدا کرده اند که لااقل برای حفظ خودشان هم که شده باید جنگ را آبرومدانه — ولو به صورت ظاهری — تمام کنند . اما با بودن گروه های قوی مخالف و حمایت رهبر انقلاب از ادامه جنگ ، ایمان قادر به تأمین نضرات خود نیستند ، بدون شک اگر وضع جنگ به همین صورت کنونی باقی بماند ، بعد ها نیز قادر به ختم جنگ نخواهند بود . اگر طرحی ، نظیر آن که اینک شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل پیگیری می کنند از جانب ایران پذیرفته شود و مورد — تأیید رهبر انقلاب هم قرار گیرد ، جانشینان آینده قادر خواهند بود که از چنین طرحی بهره جسته و قبول راه حل های بعدی را توجیه نمایند . اجرای این طرح ، احتمال بروز جنگ قدرت را در دوران بعد از آقای خمینی به علت وجود جنگ ، کاهش داده ، به حفظ انسجام حاکمیت کمک موثر نموده و خطر پیامدهای نامطلوب ، از قبیل اغتشاش در بنویستان و سایر برداری شوروی از آن را تخفیف خواهد داد .

با ایجاد وضعیت " نه جنگ و نه صلح " آرامش نسبی در وقت در جبهه های جنگ پدید خواهد آمد و کشورهای منطقه خلیج فارس ، مخصوصاً ایران موفق به ادامه صدور نفت خود خواهند شد . اما بدلیل پایان یافتن قطعی جنگ ، مردم و کشور ناگزیر خواهند بود که — همچنان بخش عمده و قابل ملاحظه ای از درآمد خود را صرف خرید تجهیزات نظامی کنند . همچنین ادامه فروش نفت ، باعث خواهد شد که ایران از سقوط اقتصادی نجات پیدا کند و احتمال گرایش و نزدیکی استراتژیک ایران به شوروی کاهش یافته یا از بین برود . در همین حالت وضعیت " نه جنگ و نه صلح " مانع از آن خواهد شد که ایران برای حل بحران های فلج — کننده سیاسی — اقتصادی خود برنامه ریزی دراز مدت بنماید .

به عبارت دیگر وضعیت " نه جنگ و نه صلح " مانند استخوان لای زخم به قدرتهای بیگانه و ذنبخ امکان می دهد که هر زمان مآقع و مصالحشان اقتضا کند با تحریکات خود ، آتش جنگ را شعله ور سازند . به علاوه ، این وضعیت امری در دست دولت های بیگانه خواهد داد که بعد از درگذشت رهبر انقلاب جناح یا جناح های خاصی از حاکمیت را در چیت

قبول نظرات یا سیاستهای خاص خودشان تقویت و تثبیت کنند و از این اهرم برای تحمیل هر چه بیشتر نظرات خود بر حاکمیت و قبول شدن شرایطی، احتمالاً بعراب بدتر از پیامدهای قضیه گروگانگیری و بهانه الجزایر و قراردادهای ضمیمه آن، استفاده نمایند.

۵ - شوروی: تحلیلگران شوروی پدیده جنگ و از جمله جنگهای محلی را براساس جهان بیسی مارکسمتی - لنینیستی خود بررسی کرده و نسبت به آن موضع گیری می نمایند. اگر چه در ۷۰ سال گذشته، بر حسب نظرات حاکم بر سیاست دولت شوروی در این موضوع دوره های مشخص قابل تفکیک و بررسی است ولی در نیمه بندی نهائی، چندین شاخص هده - قابل توجه می باشد. از میان این شاخص ها، دو شاخص در موضع گیری روسها نسبت به جنگ ایران دوره های مشخص قابل تفکیک و بررسی است ولی در موضع گیری روسها نسبت به جنگ ایران و عراق مصداق پیدا کرده است. شاخص اول رابطه جنگ با منافع و مصالح بلوک شرق - یا با اصطلاح " اردوگاه سوسیالیسم " است. هرگاه جنگ محلی به نفع اردوگاه سوسیالیسم و یا باعث ضرر و زیان رقیب غربی باشد دولت شوروی بدون در نظر گرفتن آغاز کننده آن و این که جنگ ظالمانه و یا عادلانه است از ادامه آن حمایت خواهد کرد. اما اگر بر عکس جنگ محلی موجب زیان و لطمه به مصالح و منافع " اردوگاه سوسیالیسم " باشد و یا موجب تقویت و تثبیت مواضع غرب و تأمین کننده منافع " دنیای " سرمایه داری باشد، موضع دولت شوروی، ختم چنین جنگی خواهد بود.

و اما شاخص دوم، امکان محدود ماندن یا احتمال گسترش یافتن جنگ محلی است. هرگاه ادامه یک جنگ محلی، به جایی برسد که احتمال توسعه آن به سایر کشورهای منطقه افزایش یافته وضعی بوجود آورد که درگیری میان شوروی و قدرتهای غربی را محتمل سازد. در این مورد نیز سیاست شوروی ختم جنگ و یا محدود ساختن آن بدون توجه به آغازگر جنگ و عادلانه و یا ظالمانه بودن آن خواهد بود.

بررسی مجموعه امکانات بالقوه و بالفعل دولت شوروی و سیاستهای اعلام شده آن دولت حاکی از آن است که این دولت از یک درگیری و رودررویی مستقیم با بلوک غرب و آمریکا امتناع می کند. به نظر میرسد که جنگ مستقیم موجب نابودی امکانات فراهم شده در شوروی خواهد شد. اگر چه به غرب نیز ضربات سختی وارد خواهد شد. منظره چنین درگیری برای شوروی بسیار وحشتناک است.

با چنین وضعیتی، روسها تبلیغ می کنند که گویا رشد و توسعه سوسیالیسم در چین در سایه " صلح جهانی " امکان پذیر می باشد و لذا نباید اجازه داد که جنگهای محلی به جنگ تمام عیار میان ابرقدرتها منجر شود.

هر دو شاخصیاد شده در بالا در جنگ ایران و عراق مصداق پیدا کرده است .
 ادامه جنگ ایران و عراق سبب گسترش و تثبیت نفوذ آمریکا در منطقه - ولو در کوتاه مدت شده است . ترس و نگرانی دولتهای منطقه از توسعه جنگ و ناامنی موجبات میلیناریزه شدن هر چه بیشتر منطقه را فراهم کرده است . تحولات ماههای اخیر، باعث تحول کیفی جنگ و تبدیل آن به جنگ میان ایران و اعراب گردیده است .

شورویها از این نگرانی که در تحت مجموعه ای از شرایط تاریخی - جغرافیائی ناخواسته (در این زمان و در این مکان) به يك روزی زودرس با غرب و آمریکا کشانده شوند . از طرف دیگر شورویها به تحولات درونی انقلاب اسلامی ایران و جهت گیریهای داخلی و خارجی آن چشم احمق و طمع دهنده اند .

برخورد ، انقلاب اسلامی ایران با رهیب جهانی شوروی - همین الیوم آمریکا - و سیاست ضد آمریکائی جمهوری اسلامی و گسترش و تصم این سیاست در «روز» مرزهای ملی - و برافراشتن و در دست گرفتن پرچم مبارزه با امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان ، بدون شك برای روسها بسیار لذت بخش می باشد .

مجموعه مناسبات داخلی و سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی و بالا گرفتن مسأله جنگ صیب شده است که حاکمیت کنونی ایران به امید جلب نظر عراق دولت شوروی و حمایت آن - از ایران در جنگ با عراق ، امتیازاتی به دولت شوروی بدهد - با گرچه گفته می شود که روابط ایران و شوروی در ۵۰ سال اخیر هیچ گاه به نزدیکی و خویش و شمع کنونی نبوده است باید توجه داشت که این امتیازات عملاً کمتر تا کنون است و نه استراتژیک . به عبارت دیگر این نزدیکی و این امتیازات سبب آن نخواهد شد که روسها دست از حمایت صدام بردارند و به نفع ایران علیه آمریکا و سایر اعراب موضع گیری کنند . دولت شوروی در عراق کنونی منافع و پیوند های استراتژیک دارد و از همان آغاز جنگ از رژیم عراق حمایت کرده است . دولت مذکور قرارداد دوستی ۱۵ ساله خود را با عراق در سال جاری برای مدت ۱۵ سال دیگر تجدید کرد ، عراق با سلاحهای پیشرفته روس شورمعی را می زند . بر اساس آن چه در بالا گفته شد ، سیاست دولت شوروی در حال حاضر ختم هر چه سریعتر جنگ است و بر همین مبنا در مجامع بین المللی موضع گیری کرده و رای داده است . امتیازات تا کنون ایران به سه شوروی در آن حدی نیست که سبب تغییر سیاست شوروی و انصراف آن از حمایت عراق و برخی دیگر از دولتهای عربی گردد .

البته اگر تحولات جدید در خارج فارمن در جزئیات يك درگیری واقعی میان ایران و آمریکا و اعراب و تا همین منافع استراتژیک شوروی در خلیج فارس مبرر نماید ، بخاری که روسها ادامه آن و تطبیق نیازی آن را به نفع خود تشخیص دهند - احتمال تقویت موضع شوروی و حمایت جدی

آن از ایران افزایش خواهد یافت .

درگیری آمریکا در خلیج فارس جنگ ویتنام را در برخی از اذهان تداعی می نماید . شوری در جنگ ویتنام مستقیماً شرکت نداشت ولی حمایت از رزمندگان ویتنام برای آن دولت اعتباری به وجود آورد . جنگ برای ویتنامها فرور و شخصیت و برای آمریکا فضاحت و شکست و ناسامان بود : ای سهااس - اقتصادی فراهم کرد .

جنگ احتمالی بین ایران و آمریکا ، تفاوتیای زیادی با جنگ ویتنام خواهد داشت . میان اعتقادی رهبری در ویتنام با ماسی اعتقادی شوروی یکمان بود ، شورویها ویتنام را پیروزی مارکسیسم میدانستند ، از طرف دیگر ، ویتنام از شوروی خیلی دور بود - اما ایران ۲۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک با شوروی دارد . در صورت بروز جنگ واقعی میان ایران و آمریکا ، اگر چه دولت شوروی در وضعیتش قرار خواهد گرفت که مداخله آن دولت با سیاستهای اعلام شده شایسته مخابر خواهد بود اما حمایت علی شوروی از ایران ، با توجه به موقعیت استراتژیک ایران و خلیج فارس در مناسبات جهانی ، امتیازات استراتژیک شوروی را برای شوروی در پیس خواهد داشت . از جانب دیگر ، چنان وضعیت ، دولت ایران را مجبور خواهد ساخت که برای جلب حمایت شوروی امتیازات استراتژیک به آن دولت بدهد (نظیر امضای قرارداد دو - جانبه دفاعی بین دو کشور) در آن صورت ممکن است که دولت شوروی حاضر به دادن امتیازاتی به ایران ، حتی در حد حذف صدام و نه حذف حزب بعث عراق ، بشود که به این ترتیب هم ایران را راضی خواهد کرد و هم راه را برای وحدت علی میان احزاب بعثت ، سوریه و عراق فراهم خواهد نمود . حذف صدام ، ضمن آنکه ، رچی از ناآرامیها در منطقه به وجود خواهد آورد ، مناطق استراتژیک غرب ، و خصوصاً آمریکا را ، مورد تهدید جدی قرار داده سایر مسائل منطقه را ، که شوروی درگیر آنها است تحت الشعاع قرار خواهد داد . مثلاً مسئله افغانستان آن چنان تحت الشعاع حوادث خاورمیانه قرار خواهد گرفت که به احتمال قوی به سود تثبیت قدرت و نفوذ شوروی که زبان سلطنتان آن کشور - تمام خواهد شد . در آن صورت و نتیجتاً در آن صورت است که مافع شوروی استقبال از خطرات احتمالی را توجیه خواهد نمود .

۶ - موضع دولت چین : سیاست دولت چین که یک عضو دائمی شورای امنیت میباشد پایان دادن فوری جنگ ایران و عراق است . اگر چه موقعیت چین و مناسبات بین المللی آن دولت با سیاستهای شوروی متفاوت است ولی دولت چین از گسترش و نفوذ شوروی در منطقه نگرانی دارد و به همین دلیل با دخالت نظامی شوروی در افغانستان مخالفت کرده است . و به زعم حمایت شوروی از عراق ، امکانات موشکی به ایران داده است . با تمام این احوال چین نیز معتقد است که جنگ باید هر چه سریعتر پایان یابد .

۷ - دولت های غربی : کشورهای اروپای غربی و ژاپن ، اگر چه علی الاصول از سیاست

دولت آمریکا حمایت می‌کنند در موارد خاص با سیاست‌های دولت آمریکا موافق نیستند . این کشورها با وجود بهره‌های فراوانی که از این جنگ برده اند طرفدار پایان یافتن جنگ می‌باشند و با سیاست تحریم و تشدید فشار بر طیف ایران چندان موافق نیستند آنها نگران آنند که اولاً قطع درآمد نفت بران سبب تقلیل یا از بین رفتن قدرت خرید ایران از این کشورها بشود ، ثانیاً ایران در صورت اعمال فشارهای شدید اجباراً با شوری کنار بیاید و این کشورها بازار پارسود ایران را از دست بدهند . مضافاً این که هر گونه توسعه نفوذ و قدرت استراتژیک شوری در ایران تعادل جهانی را به نفع شوری به ضرر غرب برهم خواهد زد .

البته این کشورها با اعمال فشارهای خارجی بر ایران به منظور قبولان راه خلیجی صالمت آمیز پایان جنگ موافقت اما نه تا آن حد که ایران برای جلب حمایت جدی شوری مجبور به دادن امتیازات استراتژیک به آن کشور شده و در نهایت به کلی از غرب جدا گردد پیامد خطرناک ادامه بحران در خلیج فارس :

ادامه بحران خطرناک کوچی در خلیج فارس به تدریج مسئله ایران را به یکی از موضوعات مورد مناقشه همان ابرقدرتها و صحنه رقابت و کشمکش آنان تبدیل خواهد کرد . پیدایش چنین وضعیتی بر خلاف منافع و مصالح ملی ایران و تهدید کننده جدی استقلال و تمامیت ارضی کشورمان میباشد .

حفظ استقلال و تمامیت ارضی شوروی یکی از سه شعار و آرمان ملت مادر انقلاب اسلامی بوده است . این آرمان ، علاوه بر مبارزه با سلطه سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی استعماری خارجی ، ناظر بر محتوای سیاست مستقل ملی در مناسبات و روابط خارجی میباشد . سیاست ملی بر اساس مصالح کشورمان در روابط خارجی سه محور اصلی دارد . محسوس اول : شعارها را " نه شرقی - نه غربی " ، که بیان جدیدتری ، از اصل قدیمی " موازنه منفی یا " موازنه عدمی " میباشد . این شعار دقیقاً استقلال کشور را در خودداری از اعطای امتیازات اقتصادی ، سیاسی به خارجیان ، ام از شوری ، انگلیس ، آمریکا و یا هر قدرت - خارجی دیگری می‌داند . به عبارت دیگر موفقیت استراتژیک ایران بگونه ای است که حفظ استقلال در ایجاد موازنه در روابط ابرقدرتهاست . اما موازنه ای بر اساس ندادن اخصار نه دادن آنها (که سیاست طرفداران شوری یا انگلیس و یا آمریکا بوده است) .

محور دوم : در سیاست مستقل ملی در مناسبات بین المللی عدم شرکت در مناقشات جهانی است . ابرقدرتها ، خود شوری - آمریکا - انگلیس و ... در سطح جهانی بر اساس مصالح و منافع استراتژیک خود در برابر هم صف آرائی کرده و به مقابله با هم بر

ناسته اند . در این منازعات و جبهه گیری های جهانی ، نفسی برای ملل دنیای سوم عموماً و برای ایران خصوصاً وجود ندارد . ولذا این کشورها علی الاصول نباید در این منازعات جهانی ابرقدرت - شرکت نمایند و بفتح این یا آن ابرقدرت وارد دعا شوند .

مخبر سوم : در یک سیاست مستقل ملی این است که نگذاریم ایران موضوع مناقشات بین - المللی و صحنه رقابت و کشمکش همان ابرقدرتها بشود ، چه در آن صورت کشورمان میدان تاخت و تاز خارجیان خواهد شد . و در نهایت ، با در این درگیریها و کشمکشها لگد مال شده ، منابع طبیعی و دستاورد هایمان در زمره های اقتصادی ، صنعتی و کشاورزی و علمی و سیاسی و ... از بین خواهد رفت و یا آن که با احتمال زیاد تر طرفی ای متخاصم با هم کنار آمده به اینها ایران را بین خود تقسیم (جغرافیائی یا سیاسی - اقتصادی) خواهد کرد .

بحران خلیج فارس تدوینجا ایران را در این محورها وارد منازعات و کشمکش های جهانی کرده است . و این برای ما خطرناک و زهان آور خواهد بود .

یکی از تحولات ناشی از بحران خلیج فارس مناسبات جدید ایران و شوروی است . در جهت آزادی ایران مخالف حسن روابط با همسایگان ، خصوصاً همسایه شمالی میباشد ما معتقدیم که سیاست " بیطرفی " در منازعات و جبهه بندیهای جهانی یک سیاست " منفی " نیست بلکه " مثبت " است ، یعنی آن که می توانیم و باید با تمام طرفیهای دیگر منازعات - جهانی ، بر اساس مصالح ملی و منافع کشورمان روابط حسنه داشته باشیم .

در درواریهای گذشته ، هر زمان که یک دولت خارجی قدرتمند ایران را برای تامین منافع خود شریک فشار قرار می داده است دولت ایران دست به مانور سیاسی - دیپلماتی زده و به قدرت رقیب آن دولت خارجی نزدیک شده و با تظاهر به نزدیکی می نموده است . ممکن است که عملکرد حاکمیت ایران در نزدیکی به دولت شوروی در چنین راستائی قرار داشته باشد اما در چنین مانورهای بر اساس تجارب تاریخی - باید به چند نکته توجه دقیق مبذول داشت اولاً زمان انتخاب شده برای این نوع مانورها و ثانیاً امکانات ایران برای انجام دادن مانوری - موفق بسیار مهم و تعیین کننده است . ثالثاً ، اجرا کنندگان باید از علم و تجربه کافی برخوردار باشند . زیرا در غیر این صورت چنین مانورهایی نه تنها مفید نخواهند بود بلکه نقض غرض خواهد بود ، و عوارض خطرناکی در پی خواهد داشت .

در شرایط کنونی جنگ و با توجه به اوضاع داخلی ایران و جبهه گیری جهانی از جمله بلوک شرق - طیف ایران ، به هیچ وجه زمان برای نزدیکی ایران به دولت شوروی مناسب نمیشد . علاوه بر این ، محور و بررسی کارنامه و عملکرد حاکمیت فعلی در قلمرو سیاست خارجی درایت و دور اندیشی لازم برای موفقیت در این نوع حرکات دیپلماتی را نشان ندهد و -

جنگ با امرالیسم آمریکا، یا هر قدرت متجاوز دیگر، تنها در رویارویی نظامی محدود نمی شود، بلکه برای مقابله با تجاوز و دفع متجاوز، دیپلماسی فعال و کارآ نیز به همان اندازه و گاه خیلی بیشتر ضروری است. فقدان چنین سیاستها و ابزارهای مناسبی برای اعمال آنها: سرنوشت، مبارزه با متجاوزین خارجی را مهیوم و نگران کننده جلوه می دهد. هم اکنون این نگرانی به طور جدی ایجاد شده است که حاکمیت کنونی به بنیاد و به بزه مبارزه با استعمار جهانی بدام اسناد جهانی در غلظت و از چاه های به چاه های، یا از چاله آ به چاه های سقوط نماید.

بر اساس مبانی اعتقادی، در جهان بیسی توحیدی، استعمار و الحاد هر دو یک ریشه دارند و به تعبیر مرحوم مطهری: «تو بیغی یک تو بیغی هستند». قرآن کریم مسلمانان را از انتقاد کردن غیر مسلمانان بختوان "بضانه" یا "ولججه" نهی کرده است و در مورد آنان به مسلمانان چنین هشدار میدهد:

"یا ایها الذین آمنوا لاتخذوا بطغانه من دونکم لایطونکم خیالاً و دوام اعتم قد بدت البغضاء من افولهم^{هم} و تخفی صدورهم اکبر قد بینا لکم الایات ان کتمتم تعقلون" آل عمران ۱۱۸ (۱)
 طبروم "من دونکم" اعم از اهل کذب و کفار و ملحدین است.

قرآن در عین حال که رهنمودهای محکمی درباره چگونگی برخورد مسلمانان با دشمنان بالقوه و بالفعل داده و داشتن شرایط عادلانه با دشمنان بالقوه ای را که علیه مسلمانان اقدام نموده اند تجویز کرده است مسلمانان را هم به حفظ حدود خدا و عدم تعدی و تجاوز و پابند بودن به تعهدات دعوت کرده است و هم از کیدها و توطئه های دشمنان بیخبر حذر داشته است. اسلام هرگز اجازه نمی دهد که به بهانه و یا به بنیای مبارزه با یک گروه از دشمنان (استعمار جهانی به یک گروه دیگر (الحاد جهانی) اختیارات استراتژیک بر خلاف مصالح عمومی داده شود. به گونه ای که سرنوشت و اختیارات منابع حیاتی مسلمانان در دست غیر مسلمانان قرار بگیرد.

نیفت آزادی ایران با صراحت اعلام می کند که مخالفتش با سیاستها و عملکرد سیاسی حاکمیت مانع از آن نیست که از شرف و حیثیت ملی و تمامیت ارضی کشورمان در برابر هر متجاوزی - خواه آمریکا باشد و خواه دیگری - دفاع نماید. مملکت به فردیای گروه خاصی تعلق ندارد. و ملت ایران در طول تاریخ نشان داده است که هر جای پای استعمار کشور در جهان بوده است با تمام قوا به میدان آمده و در برابر تجاوز بیگانه مقاومت کرده است.

(۱) ای اهل ایمان از غیر همکیشان خود دوست عمومی همراز نگیرید زیرا آنها از خنل فساد در کار شما ذره ای کوتاه می نکلند آنها همیشه طالبند شما در رنج و سختی باشید دشمنی آنها از زبان ^{انها} شان کشده ولی کینه ای که در دل دارند پیش از آن است. طایفات خود را برای شما بیان کردیم اگر خنل و اندیشه را بکار نگیرند.

در این حال ، ما معتقدیم که موفقیت در این مهمل مبارزات با دشمن - یا دشمنان - خارجی - ارتباط مستقیم و نزدیک با شرایط سیاسی در درون کشور دارد . هر قدر جو سیاسی جامعه بسته تر و محدودتر و اختناق شدیدتر باشد آسیب پذیری کشور در برابر تحریکات و توطئه ها و تجاوزات خارجی بیشتر و جدی تر خواهد بود .

در شرایطی که ملت ایران از حقوق و آزادیهای اساسی خود محروم است ، فشارهای خارجی علیه ایران ، و مانورهای سیاسی حاکمیت کجاست ؟ به نفع بیگانگان تمام خواهد شد .

قرآن کریم شرایط لازم برای مقابله با دشمنان بالفعل و بالقوه ای را که تمام دوزخه " من دونکم " هستند و جلوگیری از عوارض و عواقب توطئه های آنان را ، علاوه بر هوشیاری ، بالا بردن کیفیت دین و جامعه اسلامی و بهبود مناسبات انسانی میداند :

" وان تصبروا وتتقوا لا یضرمکم کیدهم شیئاً ان الله بما یعملون بصیر " آل عمران ۱۲۰ (۱)

آیات بعدی همین سوره ، بشارت میدهد که " بهشتی " از امکانات به گستردگی آسمانها و زمین به طور دائم آماده و پابالتوه برای " متقین " فراهم است . برای تحقق آن با وصول به آن بهشت امکانات ، شاخص ها و ویژگی هائی را تعیین کرده است .

" الذین یفتقون فی السراء والنساء والنکاحین الغیظ والاعافین عن الناس . . . (۲) "

برای خنثی کردن توطئه های دشمنان که از چپ و راست کشورمان را مورد تهدید قرار داده اند باید جامعه اسلامی از درون متحول گردد ، آن هم با ایجاد یک جامعه از " تقوی " و " رحمت " در رویخت فردی و اجتماعی .

برای حفظ جبهه ی اسلامی در برابر امواج رعبه رشد بحران و توطئه ها و تحریکات - باید جو سیاسی جامعه باز شود ، حاکمیت دست از انحصار و اختناق بردارد ، اطاعت حکومت را که به ملت تعلق دارد به صاحبانش برگرداند ^{بهره} جو رعب و وحشت ، تخاصم و تضاد خاتمه داده شود و احترام و رعایت حقوق و آزادیهایی که به موجب قانون اساسی برای ملت مقرر شده است و نیز دوستی و محبت و رحمت و گذشت جای آن را بگیرد .

تنها در این صورت است که بازان الطاف الیسی و رحمت حق از همه طرف بر این ملت خواهد بارید مردم به آرمانهای خود در جمهوری انقلاب اسلامی دست خواهند یافت و جمله های دشمنان در خلیج فارس - یا هر جای دیگر خنثی خواهد شد .

والعاقبه للحقمن

نیضت آزادی ایران

؟ آذرماه ۱۳۶۶

(۱) اگر صبر و تقوی پیشه کنید نیرنگ های آنان به شما نماند .

(۲) آنانکه در حال وسعت و تمدستی اتفاق کنند و خشم و غضب فروشانند و از دیده های مردم

دادستان کل و بیداد گریها

"قُوا الْحَقَّ وَوَلُوا الْوَطْنَ" انفسكم

رسول اکرم (ص) (۱)

هموطنان عزیز :

نهضت آزادی ایران در تاریخ ۶۵/۶/۵ پیامی برای رهبر انقلاب اسلامی ایران فرستاد که مورد استقبال قشرهای وسیعی از مردم قرار گرفت و بسیاری از هموطنان دردمند و علاقمند به سروشست ایران و اسلام آنرا خوانده و یا از مفادش آگاه شده اند .

در کشور انقلاب کرده و ملت رشد یافته ای که با آرمانهای ولای انقلاب پرچم جمعیت اسلامی را به ایوان دولتش زده است نوشتن یک نامه و نظریه برای مقام رهبری یا گردانندگان کشور و در میان گذاشتن آن با ملت ساده ترین عمل و بدیهی ترین حق برای یک فرد یا جمعیت میباشد و حسی بلحاظ ملی و دینی وظیفه محسوب میشود و ایگاش سایر مردم نیز در سطح وسیعی باین فریضه الهی عمل میکردند .

قریب یکماه بعد از انتشار پیام پاره ای از مسئولین و نجر مسئولین بجای تاسی به روش رهبر انقلاب که با منابت با پیام نهضت برخورد کرده اند و انشاءالله کلمه حق که در آن باشد پذیرفته و پیشهادهای ارائه شده را مورد عمل قرار داده و خواهند داد ، در اثر ناراحتی و یا وسوسه های نفسانی با سوء استفاده از موقعیت خود و امکاناتی که در اختیار و انحصار دارند به عکس العمل و ابراز وجود پرداخته اند و ایگاش این کار را بصورت مردانه معقول و مشروع انجام میدادند .

اگر پیام را بیجا و مردود یا مضر بحال انقلاب و نظام تشخیص داده اند حق بود اولاً باشهامت عملاً متن آن را مطرح و مساختند و نکات و نظریاتی را که باطل یا خلاف میدیدند مشخص نموده بدون تحریف و تبدیل یا کم و زیاد کردن ، هر قسمت را با مقدمات و دلایل ذکر شده عملاً نقل میکردند تا ابهام و انتهای پیش نیاید . ثانیاً تقوی و عفت کلام بخرج داده با دلیل و برهان باتکلی قانون و قرآن بتحلیل قضایا وارد کردن اظهارات ما مبرداختند . نه آنکه از یک امر حیاتی و اساسی جامعہ جنجال و جوسازی راه انداخته با توسل به کنایه و طعنه یا دروغ و تحریف و تهمت بتوهمن و تهدید بپردازند و بعضی از مردم ناآگاه خوشدل یا گروههای افراطی جاهل را تحریک نمایند .

نهضت آزادی ایران هیچگاه مایل نبوده و نیست که جنجال آفرینی کند . ولی از آنجا که دفاع نفس از بدیهیترین و حیاتیترین حقوق هر انسان بلکه هر موجود زنده است که اگر نکند نه تنها بخود بلکه به

(۱) حق را بگوئید اگرچه بزبان خودتان باشد .

دیگران خیانت ورزید و ظالم را تشویق و جری تر مینماید ، اجباراً به این حملات پاسخ میگوید تا مردم در اثر تحریف ها و قلب مامیتها به اشتباه و گمراهی نیفتند .



موظفان شرافتمند احتمالاً پاسخی را که نهضت در تاریخ ۲۰ مهر ماه ۶۵ بحملات آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه جمعه یازدهم مهرماه داده است ملاحظه فرموده اند و اگر ندیده باشند میتوانند مطالبه و مطالعه نمایند . هنوز ظنن امواج افتراات و اظهارات امام جمعه موقت تهران فرو نشسته و هنوز مرکب پاسخ نهضت خشک نشده بود که دادستان کل کشور بمناسبت اربعین حسینی در مجلس سوگواری مورخ چهارم آبان نیروی پلیس قضائی بیانات مفصلی علیه پیام و ناشرین آن ابراز فرمودند که قسمتهائی از آن در روزنامه ها درج و همه آن عیباً از صدای جمهوری اسلامی پخش گردید .

دادستان کل در این بیانات با عارین موهن و عبارات مبهم علیه کسانی صحبت میکنند که "ورشکستگان سیاسی ، همصدا با صدام و امریکا ، و ظاهرالصلاح هستند " و "هدفشان برگرداندن افکار اسلامی و انقلابی بشرایط گذشته و چه بسا بدتر از آن" میباشد .
از قول آنها میگویند :

"امام حسین وقتی از مدینه راه افتاد در پی جنگ و جهاد نبود و حاضر به سازش با یزید بود آنها شمه امام حسین میتوانند جرات کند که بگویند امام حسین میخواست بیعت کند اما دشمن حاضر نشد ؟

. . . . آیا این حرفها را یزیدید که تاریخ عاشورا را تحریف کنید یا حماسه کربلا را سخی کنید یا میخواهید ملت ما را از جبهه برگردانید و صدام را نجات دهید شما با مردم چکار دارید ؟ با امام حسین چکار دارید ؟"

وقتی دادستان کل که باید حافظ قانون و حقوق عموم باشد صریحاً قانون را زیر پا میگذارد و حتی "قانونگرایی" را تخطئه میکند از تحریف مطالب پیام نهضت به رهبر انقلاب و تهمت و افترا چه پروائی دارد ؟ راستی اگر از خدا و آخرت هم ترسی نداشته باشیم باز هم انصاف و آزادی چه خوبی است آخر در کجای پیام نهضت گفته شده است امام حسین (ع) از مدینه حرکت کرد که با یزید سازش کند یا امام حسین (ع) میخواست بیعت کند اما دشمن (یزید) حاضر نشد ؟
مگر در پیام نهضت نگفته ایم :

"امام ما حسین بن علی (ع) تنها علی که بابتکار شخصی در ماجرای ولایت مهدی یزید و در اخراجیه نقض عهد معاویه در صلح با امام حسن (ع) انجام داد امتناع از بیعت بود که يك حرکت ضد استبدادی محسوب میشود ."

" پس از آنکه آخرین تلاشهای او برای جلوگیری از بیگار و آزار و خویشی و خرابی سنگ شقاوت و شخص پرستی خورد، با اراده ای محکم بدفاع پرداخت، شجاعانه جنگید و حتی در عین جنگ دست از ارشاد برداشت سرانجام مظلومانه، جوانمردانه و خداپسندانه شهید گشت "

" اهداف، افکار و اعمال حسین ناشی از ایمان و ایثار و محبت و همراه با تجهیزات و تدبیر و حکمت بود. ۱۰۰۰ سالم را که معرفت منحرف و مدفون گردد اعلام و احیاناً مورد مسلمانان را آگاه و بیدار کرد و پایه های استبداد را که باعث فساد و آزار و الحاد میشود متزلزل ساخت و امامی است که باید راهش را با ما هم و بهیمائیم و از شورا و کربلاش سرمشق بگیریم "

در مورد جنگ و صلح نظرات نهضت کافلاً روشن است نهضت معتقد است که ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر به نفع ابرقرد رتقا و اسرافیل و خرمرد و ولت ایران و عراق بوده و این عقیده را همراه با ادله و براهین نخست با اطلاع مسئولان جنگ و سپس با گامی مردم رسانده است. و واقعیتهای پس از فتح خرمشهر صحت این نظرات را نشان میدهد و آینده روشنتر از گذشته نشان خواهد داد. بزودی ملت ایران بویژه رزمندگان عزیز بروشنی درخواهند یافت که نهضت برای نجات ملت و خنثی کردن توطئه بیگانگان و دشمنان آزادی و استقلال ایران و آبرو و قداست اسلام بوده که متأسفانه با دجیمت و افترا و دروغ دادستان کل پاسخ داده شده است.

دادستان کل در ادامه اتهامات خود اضافه میکند:

" اخیراً فقیه هم شده اند راجع بحلال و حرام فتوی میدهند. ۱۰۰۰ تا زگی مرجع تقلید شده اند و بما میگویند از کلام خدا منحرف شده اید "

البته ما در باره بحلال و حرام فتوی داده ایم و نه ادعای مرجعیت تقلید کرده ایم تنها کاریکه کرده ایم این است که در ساله ای که آینده ایران و اسلام و جان و مال میلیونها نفر از مسلمانان جهان در گرو آن است پرسش و اظهار نظر نمودیم و کوشیدیم ایم از قرآنی که راهنمای همه مردم (هدی للناس) و سیره پیامبری که برای همه مردم (کافه للناس) و نه برای طبقه ای خاص فرستاده شده است در جهت پیدا کردن چاره استفاده کنیم. البته این چاره جوشی بنظر ما جرم نیست ولی بنظر کسانی که اسلام و خدا و قرآن و دین را طک موروثی شخصی یا منقوی و در انحصار لباس و درسهای حوزه ای بدانند بزرگترین جرم همین است که افراد دیگر بخود اجازه دهند پرسش و نظر در قلمروی قرآن و مذهب داشته باشند.

در لابلای این تحویفها و تهمتها حملات ناروا و ناجوانمردانه ای داشته اند که پاسخ آن هر مردم روشن است. ما برخی از آنها را در اینجا میآوریم تا درجه تقوی و انصاف و قدرت منطبق دادستان کل نشان داده شود:

" اگر بعضی از آنها ظواهر الصلاح هستند افرادی هم بین آنها قرار دارند که حامی

صد آمدند و این حرفها را به زبان تو قلم آنها به راه انداخته اند ۰۰۰ بعد از -
بیروزی انقلاب هرچه تلاش کردند که انقلاب را به بهانه ترس از شوروی به دامن
امریکا بپندارند نتوانستند ۰۰۰"

"لا اقل طوری حرف بزنید که حرفهای چرندتان را هم بتوانیم باور کنیم"

"ملت ایران فریب حرفهای آنان را نخورد چرا که اینها را شناخته و جدای آنان رنگی پذیرد"

"معلومات اهل دعوا این حرفها نیستند ۰۰۰ اینها اگر زمان حضرت علی (ع) هم بودند

حتماً به روی علی شمشیر میکشیدید تا در مقابل معاویه صلح را بپذیرد"

هنگامیکه دادستان کل که باقتضای مقام و مسئولیت باید قانونگراترین فرد این مملکت و کناره گیرترین

آنها از خالت در سیاست و وظائف قوه مقننه و مجریه بوده و سر مشق عدالت و تقوی و انضباط باشند

خود برخلاف تقوی و عدالت و قانون عمل نمایند و با تحریف و تهمت و جوسازی و افسانه اکاذیب تهدید کند

چگونه میتواند مدافع حق و حقوق عمومی باشد ؟

سوآلی که در اینجا مطرح میشود این است که اگر دادستان واقعاً برای این ادعایات ادله ای دارد

چرا بر اساس وظائف قانونی خود متهمین را حاضر و رسیده می و در صورت اثبات جرم تسلیم عدالت نمینماید

و اگر دلائل برای اظهارات خود ندارد با چه مجوزی در حضور پلیس قضائی اینچنین گستاخانه با

تحریف پیام قرآنی و قانونی بیعت به رهبر انقلاب ، دست به تهمت و جوسازی و افسانه اکاذیب و تهدید

میزند و رسانه ها نیز به پخش آن میپردازند ؟

در پایان باید یاد آور شویم که اگر شورای عالی قضائی و مقامات ذیربط اعلام جرمهای قبلی ما را

رسیدگی کرده و آقای خوشی ها را محاکمه نموده به کیفر اعمال خود میفرسایدند ایشان هرگز بخود اجازه

نمیدادند اینچنین برخلاف قرآن و قانون و اخلاق عمل نمایند و مردم را نسبت به مقام مقدس قضا

بدبین سازند .

براستی مولای متقیان علی (ع) چه زیبا هشدار دهند و واقع بینانه به شرح فاض فرموده است

که ای شرح تو بر جایگاهش نشسته ای که در آن جایگاه به غمراز نبی یا وصی یا شقی

نمی نشیند .

بهدشت آزادی ایران

۱۰ / ۸ / ۶۷

خواننده * عزیز :

لطفاً نظرات خود را به صندوق پستی ۱۷۷۴ - ۱۴۱۵۵ ارسال داشته و مکهای ما را

بحساب شماره ۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۳۱ - مبارزان) بنام آقای منندرتوئیس

واریز و رسید آنرا ارسال فرمائید .

خیابان استاد مطهری - شماره ۲۳۴ تلفن ۸۳۳۷۵۷